



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی

یکصد و یازدهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۸

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

زمستان ۱۴۰۳

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

وب سایت: www.cbi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره گزارش: ۱۴۰۳۱۰/۹۶/۱۱۱/۱	شناسه گزارش
عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی* یکصد و یازدهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۸	
واژگان کلیدی: شورای فقهی، بانکداری اسلامی، مشروح مذاکرات، قانون بانک مرکزی، حسابداری	
تاریخ انتشار گزارش: زمستان ۱۴۰۳	

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

- اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط).....۴
- مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: «ارائه گزارش اداره تدوین رویه‌های حسابداری و حسابرسی در
رابطه با موضوع حسابداری اسلامی».....۵

اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)^۱

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله محمد سعید واعظی (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۴. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)
۵. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی)
۶. آقای دکتر سید محمد رضا حسینی پور (دستیار ویژه قائم مقام رئیس کل بانک مرکزی)
۷. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (مشاور رئیس کل بانک مرکزی)
۸. آقای دکتر سجاد افشار (عضو شورای فقهی)
۹. آقای دکتر سید علی اکبر میرعمادی (مدیر اداره تدوین رویه‌های حسابداری و حسابرسی)
۱۰. آقای دکتر حسین میثمی (دبیر شورای فقهی و مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی بانک مرکزی)
۱۱. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۲. خانم زهرا نظری (رئیس گروه اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۳. آقای محمد حسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۴. آقای علی نظری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۵. آقای محمد حسین منصوری (کارشناس اداره مطالعات و مقررات بانکی)
۱۶. آقای کوروش بروچی (محقق اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۷. خانم مریم بیدخوری (محقق اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

^۱ از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقای دکتر محمدپور در این جلسه غائب بودند.

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: ارائه گزارش اداره تدوین رویه‌های حسابداری و حسابرسی در

رابطه با موضوع حسابداری اسلامی

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: بحث حسابداری اسلامی قبلا در جلسات شورای فقهی مطرح گردید، در این موضوع مبنای ما استانداردهای سازمان (AAOIFI) آوofi می‌باشد که در راستای آن تلاش‌های زیادی در دبیرخانه شورای فقهی صورت گرفته و چند مورد از استانداردهای آوofi ترجمه و مبتنی بر فقه امامیه حاشیه نویسی شده است. این ترجمه‌ای که مبنای این جلسه می‌باشد، خلاصه‌ای از استاندارد مشارکت سازمان آوofi است و حدود ۳۰ تا ۳۵ پانویس تطبیقی در خصوص بانکداری بدون ربا در آن درج شده است و در چند مورد از پانویس‌ها که نیاز بود تا نظر مشهور فقه امامیه اضافه گردد، از آیت الله واعظی کمک گرفته شد.

سازمان آوofi دو کتاب استاندارد تدوین نموده است؛ یکی استاندارد شریعت و دیگری استاندارد حسابداری و حسابرسی. در استاندارد شماره یک حسابداری، تاکید شده که چهارچوبی که در حسابداری استفاده می‌کنیم باید همان استاندارد شریعت باشد. به عبارت دیگر، محتوا توسط استاندارد شریعت آوofi را ارائه شده و استاندارد حسابداری نیز بر اساس این محتوا الگوی حسابداری را ارائه می‌نماید.

ما به طور خاص بر روی مباحث مربوط به استاندارد شریعت تمرکز کرده‌ایم؛ زیرا این بحث اهمیت ویژه‌ای در حسابداری دارد. ترجمه‌های انجام شده در دبیرخانه شامل استانداردهایی است که تقریباً پوشش می‌دهند. سرفصل‌هایی که در این ترجمه‌ی علمی آورده شده، تحت عنوان مشارکت و مشارکت‌های نوین ارائه گردیده‌اند و به انواع مشارکت‌های مورد تایید سازمان آوofi اشاره دارند.

بر اساس بند «۳-۱-۴» آوofi، شرکاء در قرارداد شراکت بر اساس منطق امانت‌داری فعالیت می‌کنند و به غیر از موارد سوءرفتار یا سهل‌انگاری، هیچ‌کدام از شرکاء ضامن به حساب نمی‌آیند. این امر در حالی است که در ماده (۱۱) قرارداد مشارکت مدنی بانک مرکزی کشور، مشتری ضامن اصل سرمایه، سود و جرائم محسوب می‌شود و تحت عنوان صلح و تبرع از اموال خود، پرداخت می‌نماید. موارد دیگری نیز در استاندارد مشارکت آوofi وجود دارد. مثلا تاکید بر این است که اگر طرفین ضامن باشند، نباید در مالکیت، اتحاد وجود داشته باشد. موضوع سهم سود و سود ترجیحی نیز در استاندارد آوofi مورد بررسی قرار گرفته و بخشی از سود مشارکت نیز می‌تواند برای امور خیریه استفاده شود؛ به عبارت دیگر، طرفین می‌توانند بخشی از سود را به توافق یکدیگر، برای فعالیت‌های خیریه تخصیص دهند و این در قرارداد ذکر می‌شود. در رابطه با موضوع مشارکت، اخیراً مصوبه مهمی در کارگروه قم داشتیم در واقع حدود پنج یا شش جلسه بر روی این موضوع کار کردیم و قرارداد مشارکت مدنی که سال‌هاست اجرا شده و شبکه بانکی با این قرارداد اشتباه می‌باشد، مورد بحث قرار گرفت. پیشنهادمان بر اساس جمع‌بندی کارگروه قم این بوده که مدل عملیاتی مشارکت در سود و زیان طراحی شود و فرم جدیدی

با همکاری حوزه نظارت تهیه گردد و علاوه بر این، تا چهارچوب حسابداری اسلامی برای آن در نظر گرفته شود. در نهایت این مدل عملیاتی جدید در بانک‌های منتخب اجرایی شود.

البته در این رابطه ما با چالشی اساسی مواجه هستیم. مشتریانی که قصد دارند وارد مشارکت واقعی با بانک شوند، ممکن است با محدودیت‌هایی برخورد کنند. به عنوان مثال، اگر یک مشتری بخواهد پیشنهاد دهد که ۴۰ درصد سود را به بانک پرداخت نماید و در صورت زیان نیز این شرایط را بپذیرد، این مسئله طبق قوانین فعلی، به معنای نقض مقررات است. حتی اگر عدد سود پیشنهادی توسط مشتری بیش از ۲۳ درصد باشد، بانک مجاز به قبول آن نیست و باید حداکثر سود مجاز را ۲۳ درصد درج نماید؛ زیرا نمی‌توان قراردادی منعقد کرد که از این میزان تجاوز کند.

مصباحی مقدم: شورای پول و اعتبار نرخ‌هایی را برای قراردادهای مبادله‌ای تعیین کرده است و نه برای قراردادهای مشارکتی که در آن سود مورد انتظار اساساً باید بازتعریف شود. در مشارکت واقعی نرخ ثابتی تعریف نمی‌شود، مثلاً سود به نسبت ۵۰ - ۵۰ تقسیم می‌شود. حتی برخی از فقها ممکن است بگویند اگر شما ۶۰ درصد سرمایه‌گذاری کرده‌اید و من ۴۰ درصد، سود می‌تواند به ترتیب معکوس توزیع گردد. البته مشارکت باید بر اساس سود تحقق یافته نهایی شود که تابع مقدار سرمایه آورده شده توسط هر طرف است.

ابوالحسنی: در رابطه با پیاده‌سازی طرح‌های جدید در بانک‌ها باید توجه داشته باشیم که وقتی بانکی می‌خواهد به عنوان شریک در یک پروژه اقتصادی وارد شود، منابع مالی را باید از سپرده‌ها تأمین نماید. این امر نیازمند توجیه اقتصادی مناسب بوده تا از خسارت به سرمایه موکلین (سپرده‌گذاران) جلوگیری شود. در چنین شرایطی، مفهوم سود مورد انتظار معنا پیدا کرده و می‌تواند به کاهش ریسک هم کمک کند. شورای پول و اعتبار توصیه کرده که برای کاهش ریسک و انجام وکالت توسط بانک‌ها، در مواردی که سود مورد انتظار کمتر از ۲۳ درصد است، بانک شرایط مشتری را نپذیرد و امکان سنجی نماید تا اطمینان حاصل شود که مشارکت به نتایج مطلوب خواهد رسید. برای ایجاد اطمینان در مسیر اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌ها، ضروری است که این نکات مورد بررسی قرار گیرد.

تقاضای بنده این است که قراردادهایی که بانک‌ها به عنوان مینا استفاده می‌کنند، یک بار دیگر در شورای فقهی مورد بررسی قرار گیرد. به نظر بنده، مشکل اصلی زمانی پیش می‌آید که به سهم سود طرفین مشارکت توجه کافی نمی‌شود. یعنی نیاز است این قسمت را اصلاح کنیم تا طرح‌ها به خوبی انجام شود. اگر طرحی به دلایل مختلف مانند مدیریت ناکارآمد یا مشکلات پروژه با زیان مواجه شود، باید مشخص گردد چه کسی این زیان را بپذیرد. مشکلی که وجود دارد این است که بندهایی در قراردادهای وجود دارد که بیان می‌کند بانک زیان را نمی‌پذیرد و سرمایه‌گذار (مشتری) باید آن را قبول کند، حتی اگر بخش بزرگی از سرمایه توسط بانک تأمین شده باشد. در این صورت نیاز است بندهای قرارداد اصلاح گردد. در جلسه اخیر کمیته پایش پولی نیز در این مورد بحث کردیم. مسأله این است که نرخ‌های مشخص مثل ۲۰ یا ۲۳ درصد برخی اوقات معنای خاصی ندارند. اگر طرحی بیش از ۳۵ تا ۴۰ درصد سود داشته باشد، چرا بانک نباید کل سود را دریافت نماید و مقررات بانکی اجازه انجام این کار را ندهد؟ سال گذشته نیز پیشنهاد دادیم طرح‌های خاصی شناسایی گردد که موجب تحول اقتصادی شوند و این طرح‌ها با استفاده از گواهی سپرده خاص، تأمین مالی شوند. در این صورت، هر چقدر سود حاصل

شد، مبنای عمل خواهد بود. در سیستم بانکی، قرارداد مشارکتی که وجود دارد زیان را به عهده گیرنده تسهیلات، یعنی سرمایه‌گذار اولیه، در نظر می‌گیرد و این مسئله مشکل‌ساز است.

رضایی: اگر بخواهیم از زاویه شرعی نگاه کنیم، وقتی مشتری طرحی با ۴۰ درصد سود ارائه می‌دهد، بانک حداقل سود را ۲۳ درصد می‌پذیرد؛ اما شرط خاصی می‌گذارد که اگر نبود، زیان و سود به طور صحیح و حسب سرمایه تقسیم می‌شد. مسئله اینجاست که بانک‌ها حاضر به پذیرش زیان نیستند و این مورد با ماهیت عقد مشارکت سازگار نیست. در حقیقت بانک اذعان می‌دارد زیان را نمی‌پردازیم و تسهیلات‌گیرنده نیز اگر سود از درصدی بیشتر شود، به بانک نمی‌پردازد و در حقیقت سقف و کف در نظر گرفته می‌شود. این موضوع می‌تواند توازن برقرار نماید. اما اگر بگوییم در صورت وجود سود، بر اساس سرمایه اولیه طرفین تقسیم گردد، اما زیان بر عهده یکی از طرفین (تسهیلات‌گیرنده) باشد، صحیح نیست.

مصباحی‌مقدم: در واقع، تبدیل یک استثناء به قاعده عمومی مشکلاتی را به همراه دارد؛ مثلاً در بانکی که ضمانت مشتری قرار بود یک امر استثنائی باشد، الآن به قاعده تبدیل شده و عمومیت یافته است. این نوع تامین مالی باعث شده تا دیدگاه‌هایی شکل بگیرد که آن را مشارکت واقعی نمی‌دانند. اهمیت این موضوع در این است که باید بین تامین مالی و مشارکت واقعی تفاوت قائل شویم و این رویه‌های موجود را اصلاح کنیم تا همگان از جمله عموم مردم از این روند رضایت داشته باشند. نمی‌دانم آیا می‌شود مشارکت بانکی را حقیقتاً عقد مشارکت نامید یا خیر؟ زیرا بانک‌ها ابتدا و انتهای را به نحوی در نظر می‌گیرند که زیان متوجه بانک نگردد. از سوی دیگر، سقف سودی تعیین شده است. این به نظر نمی‌آید که مشارکت واقعی باشد؛ بنابراین، بهتر است حداقل نام مشارکت بر آن نگذاریم و به جای آن نام دیگری انتخاب کنیم. این چیزی شبیه به نوعی درخواست انجام کار است و اسامی مختلفی برای آن وجود دارد. (مثلاً مرابحه) بانک‌ها معمولاً سقف و کفی برای این قراردادها قرار نمی‌دهند؛ بلکه نرخ ثابتی اعلام می‌کنند و می‌گویند این نرخ باید حتماً به ما پرداخت شود.

رضایی: فرمودید که استثنا را به قاعده تبدیل کرده‌ایم، در حالی که بازار تولید کشور ما استثنایی است و به شدت در وضعیت نوسان قرار دارد.

مصباحی‌مقدم: روایتی به نقل از رُفاعه از حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) بیان شده که عنوان می‌دارد شخصی جاریه‌ای دارد که ارزش او را با شخصی دیگری به اشتراک می‌گذارد و به او می‌گوید نصف سود برای تو و نصف دیگر برای من است؛ و اگر ضرر ایجاد شد، من ضرر را تحمل می‌کنم (و صحیح رُفاعه: سالت ابا الحسن علیه‌السلام عن رجل شارک آخر فی جاریه له و قال: ان ربحنا فیها فلک نصف الربح و ان کانت و ضیعه فلیس علیک شیء؟ فقال: «لا اری باسأ، اذا طابت نفس صاحب الجاریه»). مرحوم سید مرتضی نیز موافق این نظر است. در این حدیث، صاحب جاریه تلاش کرده است تا مشتری نیز شرایط را بپذیرد و بدان عمل نماید. هر چند در احادیث و فقه اسلامی برای این موارد استثنائی وجود دارد اما نباید در نظام بانک استثناء به قاعده عمومی تبدیل شود.

عرب مازار: در شرایطی که تورم به ۳۰ یا ۴۰ درصد رسیده و سود بانکی فقط ۱۸ درصد است، بانکها می‌توانند از این تفاوت استفاده نمایند. در واقع، اکثر سرمایه‌گذاری‌ها به سوددهی رسیده‌اند، حتی با سودهای بالاتر. بنابراین، بانکها نیز می‌توانند از این موقعیت بهره‌مند شوند و در حقیقت منفعت، شامل تسهیلات‌گیرنده شده است.

میرعمادی: در ارتباط با ماده (۱۱) قرارداد مشارکت مدنی، پیشنهاد می‌کنم متن قرارداد با دقت بیشتری بررسی گردد. در این قرارداد صحبتی از سود قطعی نشده است و متن قرارداد به سود ابرازی اشاره دارد، همانطور که مصوبات شورای پول و اعتبار نیز تفکیک‌هایی بین عقود مشارکتی و غیرمشارکتی قائل شده است. در ماده (۱۱) قرارداد مشارکت مدنی، که محل بحث و گفتگو است، عنوان گردید: «شریک با امضای این قرارداد متعهد گردید مدیریت منابع و مصارف موضوع مشارکت را به نحوی به انجام رساند که در پایان دوره مشارکت، سهم الشرکه متعلق بانک به علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت به حساب موسسه منظور شود، در غیر اینصورت شریک ملتزم و متعهد گردید سهم‌الشرکه متعلقه بانک به علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت و ضرر و زیان وارده را صلح و تبرعا از اموال خود تامین و پرداخت نماید». در حقیقت این ماده بیان می‌دارد شریک باید مدیریت منابع و مصارف را به گونه‌ای انجام دهد تا منجر به ایجاد شرایط مطلوب شود.

مصباحی‌مقدم: مهم رقمی است که در قرارداد ثبت شده و تسهیلات‌گیرنده باید آن را پرداخت نماید. اگر مدیریت مشتری منجر به سودی دو برابری بشود، چرا نباید بانک سهمی از آن داشته باشد؟ مدیریت صحیح می‌تواند سود بیشتری ایجاد کند و بانک هم باید به عنوان یک شریک واقعی عمل نماید. در بازار واقعی، مشاهده می‌کنیم که منابع مالی بارها و بارها گردش می‌کند و هر بار سودی نصیب تاجران می‌شود اما بانک و سپرده‌گذاران از این سود سهمی ندارند که این محل بحث می‌باشد.

ابوالحسنی: برای اتخاذ تصمیم بهتر، همانطور که آقای رضایی اشاره کردند، باید شرایط مالی و حسابرسی‌ها را در نظر گرفت و بر اساس آن عمل نمود. بسیاری مواقع مشتری مستنداتی ارائه می‌کند که با زیان مواجه شده است، که در ایران کم سابقه نیست و در چنین موارد اختلافی میان بانک و شریک، به دادگاه مراجعه می‌شود. راه حل این است که پروژه را بیمه کنیم تا حداقل بخشی از زیان پوشش داده شوند؛ گرچه این باعث بالا رفتن هزینه‌های تأمین مالی می‌گردد.

مصباحی‌مقدم: ما مصوبه‌ای داریم که اصل را بر این قرار داده‌ایم که بانکها تأمین مالی را در قالب عقود مبادله انجام دهند و تنها در شرایطی از عقد مشارکت استفاده شود که امکان نظارت بر پروژه برای بانک فراهم باشد و زیرساخت‌های ضروری به طور کامل آماده شده باشد. این امر به خصوص زمانی محقق می‌شود که «صندوق پروژه» تشکیل شود و افراد در آن صندوق به خرید گواهی‌های مرتبط بپردازند و بدین ترتیب، پروژه را تأمین مالی کنند یعنی تأمین مالی برای پروژه خاص انجام شود و ناظر بانک در صندوق پروژه حضور داشته باشد؛ به طوری که تمامی صورت‌های مالی روزانه به دستش برسد. در این موقعیت، امکان پنهان کردن اطلاعات یا مخفی‌کاری وجود ندارد. همچنین، حضور یکی از اعضای هیئت مدیره در صندوق پروژه باعث می‌شود که تمامی اطلاعات به صورت مرتب و آنی در اختیار شریک قرار گیرد. در این شرایط بانک به عنوان شریک به اطلاعات کامل دسترسی دارد و اگر در هر لحظه شرایطی پیش بیاید که مجری پروژه با مشکلاتی مواجه شود یا

قیمت‌ها دستخوش تغییر گردد و بازار دچار آشفتگی شود، بانک از این تغییرات مطلع شده و می‌تواند کمک و راهنمایی کند؛ چرا که خودش نیز ذینفع است و بانک نمی‌گذارد پروژه به زیان برسد. باید قبول کنیم که در چنین مواردی مشارکت واقعی خواهد بود. البته نیازی نیست که عقد مشارکت حتماً در شبکه بانکی انجام شود. عقد مشارکت دارای مزایایی است که هزینه‌های آن را می‌پوشاند؛ اگر خواهان سود مشارکت هستیم، باید هزینه نظارت را بپذیریم. در حوزه امور مالی و اقتصادی، بسیاری از ابزارها و قراردادهای برای تأمین نیازهای مالی و افزایش سوددهی طراحی شده‌اند. در این میان، قراردادهایی مانند مضاربه و مشارکت نقش مهمی ایفا می‌کنند. در مضاربه، یکی از طرفین، سرمایه را فراهم می‌کند و دیگری تلاش می‌کند تا با استفاده از آن سرمایه، تجارتی پر سود داشته باشد. در این فرآیند، طرفین یعنی سرمایه‌گذاران و بانک‌ها می‌توانند به سود برسند، اما همیشه ریسکی متوجه سرمایه است.

روایات اسلامی نشان می‌دهد که گاهی مضاربه با چالش‌هایی مانند تلف شدن یا خسارت‌های غیرقابل پیش‌بینی مواجه می‌شود. برای کاهش این ریسک‌ها، رویکردهایی مانند ترکیب مضاربه با قرض نیز پیشنهاد شده است. در چنین سازوکاری، بخش مشخصی از منابع مالی به عنوان قرضی که تضمین شده ارائه می‌گردد و بخشی دیگر به عنوان سرمایه مضاربه به کار گرفته می‌شود. این ترکیب سبب می‌گردد طرف تجاری دقت بیشتری در مدیریت منابع داشته باشد و گزارش‌های مالی دقیق‌تری ارائه نماید. در زمان‌های گذشته، به جای انعقاد قراردادهای پیچیده مشارکت، راه‌حلهایی ساده‌تر اما قابل اعتماد مانند ترکیب مضاربه و قرض، انتخاب می‌گردید.

میثمی: امروزه در برخی از کشورها مانند بانک میزان پاکستان این چهارچوب وجود دارد. یعنی عقد مشارکت بسیار کم اما کاملاً واقعی اجرا می‌شود.

مصباحی‌مقدم: بانک‌های اسلامی در مناطق مختلف جهان مدل‌های متنوعی از مشارکت را پیاده‌سازی کرده‌اند که به طور خاص در برخی مناطق مانند دبی (بانک ذکة البرکه) وجود دارد. بنده گزارش این بانک را در کتاب: «پول، بانک و مشارکت در شرکت‌ها» آورده‌ام. در این کتاب به موضوعات مهمی از جمله بانکداری، سرمایه‌گذاری و نحوه مشارکت در شرکت‌ها پرداخته می‌شود و عنوان می‌گردد که مالک بانک چگونه توانسته است تعداد قابل توجهی از بانک‌های دیگر را به عقد مشارکت متمایل کند. با ورود به این عرصه، او به سایرین آموزه‌هایی درباره مشارکت واقعی ارائه داد تا از این طریق همگی بهره‌مند شوند و تجربه‌های موفق‌تری کسب کنند و رویه به سوی بانکداری اسلامی سوق داده شود.

ابوالحسنی: در هنگام انعقاد قراردادهای بانکی، شرط بازگشت اصل سرمایه مطرح می‌شود؛ ولی با مشکلاتی نظیر پروژه‌های بزرگ ارزی-ریالی مواجه می‌شویم، زیرا نوسانات نرخ ارز پیش‌بینی‌ناپذیر بوده و هیچ بیمه‌ای نمی‌تواند آنها را پوشش دهد. تلاش‌های زیادی برای بیمه کردن اعتبارها (بیمه اعتباری) صورت گرفته بود، اما بانک‌ها و بیمه‌ها به توافق نرسیدند. بانک‌ها آمادگی داشتند که برای تأمین این بیمه هزینه کنند، اما بیمه‌ها اذعان می‌داشتند تنها ریسک مربوط به ۱۰ درصد نوسانات ارزی را می‌پذیرند و بیشتر از آن برعهده دولت باشد. بیمه مرکزی نیز تاکید کرده بود که تنها با الگوی (بیمه اتکایی) حاضر به همکاری در این طرح است. پیشنهاد بنده این است جهت انجام مشارکت واقعی، برای اصلاح قراردادهای یک بار دیگر نگاه دقیق‌تری به موضوع بیندازیم و ماده (۱۱) فرم استاندارد مشارکت مدنی را مورد بازبینی قرار دهیم. اگر بانکی

تمایل به اجرای آن داشت، به شکل صحیح قرارداد مشارکت را انجام دهد. لذا به نظر می‌رسد نیاز است کل ماده (۱۱) مورد بررسی قرار گرفته و سپس موضوع در دستور جلسه قرار گیرد.

میرعمادی: ماده (۱۱) قرارداد مشارکت مدنی قبلاً جهت نظرخواهی به شورای نگهبان ارسال شد و این شورا بیان داشت، به شرطی که به عنوان شرط ضمن‌العقد گنجانده شود، از منظر شرعی مانعی ندارد.

مصباحی‌مقدم: من به این موضوع ایراد دارم و پرسیدم که مطابق با کدام فتوای فقهی از صدر اسلام تا امروز چنین حکمی صادر شده است این عقد می‌تواند، عقد جدیدی باشد. اما پیشنهاد دادم نام «مشارکت» از آن برداشته شود تا مشخص شود که در مشارکت واقعی، طرفین به تعهدات خود وفادار می‌مانند. ماده (۱۰) قانون مدنی درباره عقود جدید و شروط مختلف بحث می‌کند. یعنی می‌توان مشارکت بانکی را در قالب یک قرارداد جدید در نظر گرفت اما نباید آن را معادل با عقد مشارکت در فقه لحاظ کرد.

عرب‌مازار: افرادی که فریبکاری می‌کنند، تنها در کشور ما نیستند بلکه در سایر کشورها هم وجود دارند. اما سایر کشورها چطور با این مشکل مواجه می‌شوند؟ اولین بحث، اعتبارسنجی است. اگر کوچکترین نقطه ضعفی در اعتبار شما پیدا شود، کنار گذاشته می‌شوید؛ حتی اگر شما درصد بالایی سود به بانک ارائه دهید. رتبه اعتبار پروژه شما توسط بانک اسلامی بررسی می‌شود و نیاز به مدارک متعدد از جمله توجیه فنی، اقتصادی و مالی دارید. یعنی باید همه جزئیات روشن باشد. نکته مهم‌تری هم وجود دارد؛ اگر در این قرارداد مدیریتی نادرست رخ دهد، رتبه اعتباری فرد خدشه‌دار شده و در لیست سیاه قرار می‌گیرد و هیچ بانکی حاضر نیست با آن فرد همکاری نماید.

مصباحی‌مقدم: در تایید صحبت شما بنده در گذشته پیشنهاد کرده بودم، اگر کسی تخلف کند و وارد لیست سیاه شود، دیگر هیچ بانکی به او تسهیلات نپردازد.

ابوالحسنی: با این حال، درک اینکه همه این مدل‌های اعتبارسنجی باید به طور کامل و دقیق اجرا شوند، اهمیت دارد. اما شرایط تورمی به گونه‌ای است که مشتری ترجیح می‌دهد پول بانک را نپردازد. تاکید می‌کنم که در اعتبارسنجی باید اطلاعات افراد کامل و مطابق با استانداردها باشد. مدل‌های جدید اعتبارسنجی حتی خطاهای رانندگی و جریمه‌ها را در نظر می‌گیرند که ممکن است امتیاز اعتباری فرد را کاهش دهد. در نهایت، برای جلوگیری از مشکلات، شرط مشارکت واقعی افراد با بانک باید مکتوب و مستند باشد؛ تا توافقات شفاف و قانونی گردند.

میثمی: گزارشی که هم اکنون ارائه شد مربوط به کارگروه قم، شورای فقهی و دبیرخانه بود. اما همکاران حوزه نظارت نیز تلاش‌هایی در زمینه حسابداری اسلامی انجام داده‌اند و در این زمینه اداره تخصصی تدوین رویه‌های حسابداری و حسابرسی، مسئولیت راهبری این امر را برعهده دارد. ما از این اداره درخواست کرده‌ایم تا گزارشی در این زمینه تهیه نمایند تا بتوانیم جمع‌بندی جامعی از وضعیت کنونی در خصوص مسائل مورد بحث داشته باشیم.

میرعمادی: همان طور که مطلع هستید، ما در بانک مرکزی به منظور بازنگری و بهبود ساختار نظارت، اخیراً یک اداره جدید تحت عنوان اداره «تدوین رویه‌های حسابداری و حسابرسی» ایجاد کرده‌ایم. پیش از این، موضوعات مرتبط با گزارشگری مالی و مباحث حسابداری و حسابرسی به شکل پراکنده در ادارات مختلف مورد بررسی قرار می‌گرفت و اغلب به برخی از این مباحث آن طور که شایسته بود، توجه کافی نمی‌شد. مطالعات ما در زمینه بانکداری، همواره بر این نکته تأکید داشته‌اند که نظام بانکی ما خاص و ویژه است؛ زیرا بانکداری بدون ربا مبتنی بر فقه امامیه اجرایی می‌شود. در نتیجه، در زمینه گزارشگری مالی، لازم است که فرایند ثبت، ضبط، طبقه‌بندی و گزارش را منطبق با ضوابط و مقررات بالادستی انجام دهیم. اما نکته کلیدی این است که تمامی حلقه‌های این زنجیره باید به درستی کنار هم چیده شوند. برای مثال، موضوعات مرتبط با حسابداری و گزارشگری مالی، در انتهای این زنجیره قرار دارند. یعنی ابتدا قوانین، آیین‌نامه‌ها و فرم‌های عقد تدوین می‌شود و سپس بر اساس آنها، رویه‌های حسابداری شکل می‌گیرند. اگر آنچه به عنوان قوانین و مقررات بالادستی تنظیم شده، مبتنی بر مبانی شریعت باشد، گزارش‌دهی نیز مطابق با همان مبانی صورت می‌گیرد. اما اگر مانند مباحثی که درباره مشارکت مطرح شده و محل بحث است، بنیادش بر مبانی فقه و شریعت نباشد، ما مجبور خواهیم بود رویه‌های حسابداری را بر اساس همان توافقات و مصوبات موجود تنظیم کنیم. در زمینه حساب‌های بانکی، کارهای متعددی طی سال‌های گذشته انجام شده است که گزارشی نیز در این زمینه تهیه گردیده است.

منصوری: در صنعت بانکداری به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد، تفاوت‌های عمده‌ای در نوع دارایی‌ها، بدهی‌ها، درآمدها و واسطه‌گری وجوه و حسابداری آنها، نسبت به سایر بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد. علاوه بر این، در کشور ما قانون عملیات بانکی بدون ربا برقرار است و مهم‌تر اینکه هر منبع و مصرفی در شبکه بانکی بایستی در عرصه واقعی اقتصاد تأثیرگذار باشد. همین موضوع موجب می‌شود عملیات حسابداری در شبکه بانکی از سایر شرکت‌ها متفاوت گردد. برای مثال: در بانک‌های اسلامی، ذینفعان مانند سپرده‌گذاران و سهامداران اغلب نگران درآمدها و سودهایی هستند که مطابق با احکام شرعی نباشند. بنابراین، بحث‌های حسابداری اسلامی باید همیشه مد نظر قرار گیرند؛ از جمله حسابداری‌های مشارکت مدنی و مشارکت در سود. این موضوعات همواره در معاونت تنظیم‌گری و نظارت، از اولویت‌های اصلی بوده‌اند. اقداماتی نیز تاکنون توسط این معاونت انجام شده، از جمله تدوین ضوابط و مقررات مرتبط با مباحث حسابداری. یعنی دستورالعمل‌های حسابداری برای تمامی عقود تدوین شده است؛ حتی برای اعتبار اسنادی داخلی ریالی که می‌توان آن را جزو اقلام تعهدات زیر خط در نظر گرفت این سند شامل استفاده از عقود مباحه نقد و نسبه جهت اعتبار اسنادی می‌گردد. همچنین، معاونت نظارت نمونه‌ای از صورت‌های مالی ارائه می‌دهد که اخیراً نیز «صورت مالی نمونه میان‌دوره‌ای» ابلاغ شده و فرمت گزارشگری مالی به شبکه بانکی اعلام گردیده است. همچنین چک‌لیست‌های نظارتی نیز برای مقررات ابلاغی تدین شده و در اختیار بازرسان بانک مرکزی قرار گرفته است.

در نهایت، همه موارد موجود در ادارات مختلف به صورت متمرکز در اداره تدوین رویه‌های حسابداری و حسابرسی جمع‌آوری شده‌اند. بحث تدوین ضوابط و مقررات که اکنون قصد داریم درباره آن صحبت کنیم، مقررات مختلفی داریم از جمله سود مشاع و امهال که به تفصیل بررسی شده‌اند.

نظام‌های بانکداری به دو نوع اصلی تقسیم می‌شوند: بانکداری متعارف (ربوی) و بانکداری اسلامی؛ در بانکداری متعارف، تمرکز بر دریافت و پرداخت بهره است و استانداردهای حسابداری خاصی برای آن رعایت می‌شود. اما در بانکداری اسلامی، هدف این است که مصارف انجام شده در عرصه اقتصاد، اثری واقعی داشته باشند. در این راستا، تفکیک عقود مختلف مانند جعله، خرید دین، مرابحه و فروش اقساطی صورت می‌گیرد؛ که هر کدام از ابتدا دارای حساب‌های جداگانه‌ای در دفتر کل هستند و به صورت متفاوت گزارش می‌شوند. علاوه بر رعایت استانداردهای حسابداری، الزامات شریعت نیز اهمیت دارند. در موضوع شناسایی درآمد برای مشارکت مدنی، دستورالعمل خاصی داریم که تصریح می‌کند شناسایی درآمد در عقود مشارکتی باید در زمان واگذاری سهم بانک به مشتری یا شخص ثالث به صورت نقد یا نسیه انجام شود. در حقیقت، مباحث مربوط به بانکداری همواره یکی از موضوعات مهم و بحث برانگیز بوده است.

در این زمینه، قصد دارم توضیحی درباره دو نوع مختلف از نظام بانکداری ارائه دهم؛ یعنی بانکداری ربوی و بانکداری بدون ربا، که معمولاً در قالب بانکداری اسلامی شناخته می‌شود. در قانون جدید بانک مرکزی کشور، اصطلاح «بانکداری اسلامی» به کرات به کار رفته است، چه بسا این عبارت که حدود ۷ مرتبه در متن قانون تکرار شده است. قانون عملیات بانکی بدون ربا که در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید، بر اهمیت تمایز بین رابطه بانک با سپرده‌گذاران از یک سو و رابطه آن با وام‌گیرندگان از سوی دیگر تأکید کرده بود. طبق ماده (۱۱) آیین‌نامه فصل دوم قانون مذکور، در رابطه با بکارگیری منابعی که از سپرده‌گذاران جمع‌آوری می‌شود، اولویت با مصارف است.

در واقع، در کل سیستم بانکداری، منابع قابل توجهی وجود دارد که به عنوان منابع مشاع شناخته می‌شوند. بخشی از این منابع دارای ماهیت اصالتی هستند که مستقیماً به بانک تعلق دارند، در حالی که بخش دیگری از آنها به عنوان منابع وکالتی شناخته می‌شوند. این منابع وکالتی به دو دسته تقسیم می‌گردند: الف) منابع سپرده‌گذاران و ب) منابع سهامداران. در فرآیند بانکداری، درآمدهایی نیز به دست می‌آیند که تحت عنوان غیرمشاع مطرح می‌گردند. با این وجود، تمام این پول‌ها در یک مکان جمع شده‌اند. یعنی استخری از منابع سپرده‌گذاران و منابع بانک شکل می‌گیرد که این منابع باید بر اساس عقود اسلامی مصرف شوند. بر اساس تبصره «۳» قانون عملیات بانکی بدون ربا، برخی از این عقود تحت عنوان عقود مشارکت طبقه بندی شده‌اند. نکته قابل توجه این است که بانک‌ها معمولاً در بازار بین بانکی سپرده‌گذاری می‌کنند. این نوع فعالیت اقتصادی نیز بر اساس یک رابطه وکالتی خاص، سازمان یافته است. در واقع در شبکه بانکی، نظام وکالت متضمن نوعی شراکت است. به این ترتیب، وجوه متعلق به بانک و سپرده‌گذار با یکدیگر تداخل پیدا می‌کنند.

میرعمادی: در سمت چپ ترازنامه، ما با سپرده‌های سرمایه‌گذاری مواجه هستیم که بر اساس قانون، وکالت در مورد آنها شکل می‌گیرد. الزامی وجود دارد که این سپرده‌ها بر طبق ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا به مصرف برسند. علاوه بر این سپرده‌ها، ممکن است منابع دیگری از بانک نیز برای این منظور استفاده شوند. مثلاً بخشی از منابع سهامداران هر آنچه که در سمت راست ترازنامه قرار گرفته به عنوان مصارف مشاع شناخته می‌شود.

ابوالحسنی: موضوعی که در بند دوم آمده، به ما تذکر می‌دهد سایر منابع متعلق به چه کسی است. این منابع یا توسط سهامداران تامین شده یا بانک خود اقداماتی انجام داده و سرمایه‌هایی جمع کرده که به مردم و منابع آنها مربوط نمی‌شود و باید شفاف شود که در چه مصارفی خرج شده است.

مصباحی مقدم: جدول‌هایی که ارائه شده دقیقاً نشان‌دهنده این موضوع است که وجوه از کجا آمده‌اند. بخش اول این جدول منابع خالص سپرده‌گذاران را نشان می‌دهد، که از نظر حسابداری به معنای بدهی بانک به سپرده‌گذاران است.

میرعمادی: در صورت‌های مالی سال‌های گذشته، طبقه‌بندی‌هایی انجام شده بود که نشان می‌داد منابع سپرده‌های سرمایه‌گذاران باید در سمت چپ ترازنامه ثبت شوند. علت اینکه به این منابع بدهی گفته می‌شود این است که رابطه‌ای بین بانک و سپرده‌گذار برقرار است که بر اساس آن بانک موظف است هر زمان که سپرده‌گذار درخواست کند، منابع او را بازگرداند. در واقع، بانک به عنوان وکیل موظف است این تعهدات را اجرا کند و طبق مفاهیم حسابداری، این تعهدات مقارن با بدهی‌های بانک تلقی می‌شوند.

مصباحی مقدم: بنابراین، منابع سپرده‌گذاران باید به عنوان منابع زیرخط، طبقه‌بندی شوند تا تعهدات بانک به طور صحیح منعکس شود. از سوی دیگر، در نظام حسابداری اسلامی، شیوه ثبت هزینه‌ها و سودها متفاوت از روش‌های رایج است. سود پرداختی به سپرده‌گذاران در سمت راست ترازنامه قرار نمی‌گیرد، بلکه به عنوان هزینه در گزارش‌های خلاصه سود و زیان آورده می‌شود.

ابوالحسنی: با وجود این تفاوت‌ها در رویکرد حسابداری، اصل کلی مبنی بر این است که سپرده‌گذارانی که در بانک سرمایه‌گذاری می‌کنند، باید مطمئن باشند که بانک متعهد به بازپرداخت سپرده‌هایشان می‌باشد. در نهایت، هنگامی که رابطه بین بانک و سپرده‌گذار، وکالتی می‌شود، شیوه مدیریت و گزارشگری مالی نیز باید این روابط را منعکس کند.

دارایی سپرده‌گذار هنوز به خودش تعلق دارد و بانک فقط به عنوان نماینده، کارهای مرتبط را انجام می‌دهد. در صورت تمایل به انطباق ترازنامه با اصول اسلامی، لازم است برخی مفاهیم را اصلاح کنیم و مفهوم دارایی این نیست که مالکیت تغییر کرده و دارایی همچنان در مالکیت فرد باقی می‌ماند. لذا باید تعریف دقیقی از دارایی ارائه داد. تفاوت حسابداری اسلامی اینجاست که وقتی می‌گوییم دارایی، باید روشن شود که مالکیت هنوز در اختیار سپرده‌گذار است. در ترازنامه و صورت سود و زیان، قیمت تمام شده را مطرح نمی‌کنند، بلکه هزینه پول و تفاوت درآمدی بین سپرده و تسهیلات را مطرح می‌کنند. بانک‌ها این اختلاف را به عنوان سود خود اعلام می‌دارند. اهمیت دارد که این تفاوت چه کسی را بهره‌مند می‌کند؛ در حالی که در بانکداری اسلامی فرض بر آن است که این اختلاف متعلق به کسی است که مالک اصلی پول است.

منصوری: باید بررسی‌های مفهومی عمیق‌تری انجام شود تا تفاوت میان حسابداری اسلامی و غیر اسلامی مشخص شود. همچنین، تقسیم منافع باید سازوکار عادلانه‌ای داشته باشد تا حقوق همه افراد رعایت شود. ما نظارت‌هایی انجام داده‌ایم

تا مطمئن شویم حقوق سپرده‌گذاران محفوظ مانده و در گزارش‌ها مشخص شد که این امر به طور کامل رعایت نشده است. در موضوع سود مشاع و به دنبال آن بحث شناسایی درآمد عادلانه، نکاتی را باید مورد توجه قرار داد.

ابوالحسنی: درک من از این مسأله این است که هنگامی که شما می‌گویید بر مبنای حق، در واقع با این مقصود است که حقوق باید نهایتاً عدل را محقق کند. این برداشت عمومی در جامعه از تقسیم عادلانه، ممکن است شامل تقسیم بر اساس حق ذینفعان باشد؛ به این معنا که حق هر کس به خودش رسیده و عدالت در توزیع منابع و امکانات رعایت شود. این رویکرد تأکید دارد که هر فرد یا نهاد حق دریافت سهم خود را دارد، به‌ویژه سپرده‌گذاران، بانک‌ها و سهامداران. قانون نیز تأکید دارد که مبنا را باید بر حق، قرار داد و این امر با مرور زمان پایدار خواهد شد. به هر حال، آنچه که محقق خواهد گردید، تحقق عدالت در سرمایه‌گذاری‌ها است. توافقی که طرفین بر سر عادلانه بودن موضوعات اقتصادی پذیرفته‌اند، نشان از تعهد به رعایت انصاف است.

میرعمادی: تلاش حوزه نظارت در طی این سال‌ها بر آن بوده است که هم مقررات بانکی و هم مقررات حسابداری منطبق با شریعت باشد.

ابوالحسنی: واقعیت این است که این مسیر اصلاح طولانی بوده و نیازمند زمان و اندیشه دقیق، پیرامون بانکداری اسلامی می‌باشد. از نظر بنده اگر مقرر باشد تا ابتدای قرارداد، لغت اسلامی اضافه گردد نیاز است متدولوژی هر کدام از بندها، تبصره‌ها و غیره به صورت جزء به جزء بررسی و با شریعت تطبیق داده شود.

اسلامیان: بهتر است از عبارت: «حسابداری مبتنی بر عقود اسلامی» استفاده گردد.

مصباحی‌مقدم: ادبیات اصلاح شود.

ختم جلسه با صلواتی بر محمد و آل محمد